

کسوتن (بالمعروف) ذکر کرده‌اند و به متابعت از عقاید مزبوره بوده که بالاخره در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی هم تجویز قضاوت عرف بشکل قانون بروز نموده. بنا براین نسبت به تقدیر نفقات تشخیص عرف ملاک خواهد بود و شکی نیست که مشخصات عرف هم تابع شهری است که زوجین در آنجا زندگانی میکنند پس علاوه از شخصیت زوجه اختلاف سردسیر و گرمسیر بودن محل و اختلاف فصول هم در تعیین اغذیه و ماکولات و مشروبات و ملبوسات و محل سکونت زوجه مؤثر است و چون از مواردی است که اطلاعات مخصوصه به خود را برای تشخیص و تعیین لازم دارد ناچار کسب نظریه خبره را ایجاب خواهد کرد این قسمت هم ناگفته نماند که در اغذیه و البسه و مشروبات تملیک بزوجه در مقام وفاء بانفاق شرط است لکن در محل سکنی لازم نیست که بزن تملیک شود زیرا منظور از وفاء بانفاق در این مورد صرف استفاده از سکونت است نه مالکیت زوجه در مسکن بنا براین محل سکنی خواه ملک زوج و خواه عاریه یا اجاره یا مورد حق انتفاع او باشد زوجه باید در آنجا مسکن گزیند.

و ظهور در نتیجه این است اگر شوهر نفقه مدتی را به زنی قبل از حلول اجل بدهد وزن در اثر قناعت و ابراز

لیاقت از نفقات تقدیمیه بوی اضافه بیاورد ملک طلق زن بوده و شوهر را حق استرداد نمیباشد و حتی اگر لباس که عرفاً برای دوام آن مدتی معین است زن آن را بپوشد معیذاً تازه بماند مجدداً در سر مدت حق مطالبه البسه جدید را خواهد داشت.

(در خاتمه موضوع دیگری که در این مقاله قضائیه اظهار عقیده نگارنده را ایجاب مینماید این است: در دعاوی که بعنوان عدم تمکین اقامه میشود بعضی از فضلاء و قضاة معاصرین در اصدار حکم تمکین بواسطه اینکه بموجب اشکال در اجراء آنست خودداری مینمایند مستنداً باینکه عملی نمودن موضوع تمکین امر غیر ممکن است و حال آنکه این اشکال بنظر صحیح نمی‌رسد زیرا که فقهاء تمکین را چنین معنی نموده‌اند (التخلیه بینه و بینها) پس باید ملتفت شد اجراء هر امر نسبت به کیفیت مخصوصی میباشد که در آن امر جریان میتوان داد مثلاً در بیع که قبض شرط است در معاملات دهات و قراء دیده می‌شود که صرف تخلیه سبیل را قبض دانسته‌اند و در دعاوی تمکین هم سپردن زوجه بدست شوهر و آشتی دادن بین آنان و اسکان در یک خانه کافی است و از این جهت مانعی برای حکم و اجراء آن نخواهد بود.

حسین صدرالاشرفی

ثبت ازدواج و طلاق در شناسنامه

کیفر عدم ثبت وقایع اربعه در ضمن تحولات اجتماعی و وقوف مردم بوظایف و تکالیف قانونی خود روز بروز از سختی آن کاسته شده و کیفرهای مقرر از مراتب بالا بدرجات پائین گسراشته و بالاخره زمانی بفرت و ارفاق و وقتی بمرحله نیستی و سقوط رسیده است.

آن سختی‌ها و تعیین کیفرهای سخت وقتی شایسته بود که اساساً اجراء و اعمال هر یک از وقایع چهارگانه

وقایع چهارگانه (تولد - فوت - ازدواج و طلاق) که از نظر آمار کشور از حیث نقصان و افزایش جمعیت و نمایش رفاهیت و آسایش مردم و سایر خصوصیات و کیفیات زندگانی فردی و اجتماعی دانستن آن برای هر کس و هر جا اهمیت بسزائی دارد در ایران ادواری را بيموده و قوس صعود و نزولی را طی کرده که قوانین وضع و اجرا شده یا نسخ گردیده وضعیت آنرا بخوبی روشن و محسوس می‌سازد.

مثلا گرفتن شناسنامه یا باطل کردن برگهای سجل احوال یا ثبت ازدواج و طلاق نزد بعضی اشخاص کور باطن معصیت تلقی شده و ذکر نام مادر و زن در دفاتر بمنزله گناهی بوده و حال آنکه امروزه باروشن شدن اذهان همگانی و ترقیات روز افزونی که در هر يك از شئون اجتماعی حاصل شده و بالاخره بالا آمدن سطح اطلاعات و معلومات مردم و از بین رفتن افکار پوسیده دیگر جای نگرانی و توهم سر بیچی کسی باقی نبوده و مختصر مسامحه اشخاص در عدم انجام هر يك از تکالیف چهار گانه مستلزم تعیین کیفرهای کوچک و کوچکتر بوده و خواهد بود چنانکه مقنن هم بهمین وتیره قوسهای نزولی را در طی قوانین در سنوات مختلفه پیموده است و چهار مرحله در قوانین مختلفه میتوان تجسس کرد:

- ۱ - دوره شدت .
- ۲ - زمان قنوت .
- ۳ - دوره ارفاق .
- ۴ - زمان سقوط و تعدیل .

از مراجع اجمالی بقانون سجل احوال مصوب خرداد ۱۳۰۴ و ۱۳۰۷ بخوبی معلوم میشود که قانون گذار در آن تاریخ از طرفی خواسته است نسبت بکسانی که تکالیف مقرر در هر يك از امور چهار گانه را انجام ندهند سخت گیری نکرده و با آشنا ساختن مردم کم کم عامه را به محور خود سیر دهد و از طرفی این سخت گیری را متوجه مأمورین مربوطه سازد چه آنکه طبق ماده ۲۲ آن قانون و ماده ۲ قانون ۱۳۰۷ «پس از یکسال از تاریخ اجرای سجل احوال در هر محل مأمورین دولتی موظفند در موقع صدور کلیه اسناد رسمی از قبیل تعرفه انتخابات و پروانه حمل اسلحه و تذکره و مراجعات اشخاص با ادارات دولتی ورقه شناسنامه مطالبه نمایند و الا مطابق ماده ۲۷ قانون ۱۳۰۴ و ماده ۲۸ قانون استخدام کشوری مجازات خواهند شد» معلوم میشود که این رویه من غیر مستقیم فقط برای آشنا ساختن مردم باخذ برگهای شناسنامه بوده است و الزام مأمورین مربوطه

بمطابقه شناسنامه خود سخت گیری است که بدهد قوانین دیگر این ماده بخصوص اصلا معنا از بین رفته است و همین مسئله بخوبی گواهی میدهد که قانونگذار به موجب ماده ۲۴ آن مجازات خفیفی برای کسانی که تکالیف خود را انجام ندهند قائل شده است.

پس از تصویب قانون ازدواج مصوب ۲۳ مرداد ۱۳۱۰ که طبق ماده ۱۸ آن قانون مقرر گردیده در مورد عقد و طلاق که در دفاتر که مطابق آئین نامه های وزارت دادگستری تنظیم و ثبت میرسد آن قسمت از مقررات ماده ۴ و ۵ قانون سجل احوال مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۱۷ که مربوط باعلام وقوع عقد و طلاق است لازم. الرعايه نخواهد بود و هم چنین طبق قانون اصلاح قانون سجل احوال مصوب ۱۱ آذر ۱۳۱۰ اشخاصیکه قبل از اجرای آن قانون تکالیف مقرر را انجام نداده باشند در صورتیکه تا دو ماه از تاریخ اجرا بتکالیف خود عمل کنند از تعقیب آنها صرف نظر خواهد شد.

و بالاخره طبق تبصره ۲ ماده واحده قانون راجع به سواد اسناد سجلی مصوب ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۳ کسانی که تا تاریخ فوق تکالیف مقرر را انجام نداده اند از تعقیب معاف و نیز اشخاصیکه بموجب قانون ۱۳۰۷ محکوم بداد نامه قطعی شده ولی هنوز اجرا نشده از کیفر معاف خواهند بود و اجازه داده در مدت یکسال از تاریخ تصویب این قانون باخذ شناسنامه و ثبت وقایع مبادرت نمایند و همچنین طبق ماده واحده راجع بمختلفین در اجرای تکالیف مقرر مصوب اسفندماه ۱۳۱۵ کسانی که تا تاریخ اجرای آن یکی از تکالیف مقرر چهار گانه را انجام نداده هر گاه تا آخر شهریور ۱۳۱۶ تکالیف مزبور را انجام نمایند از تعقیب جزائی معاف خواهند بود در چند دادنامه قطعی بر محکومیت آنها صادر شده باشد و هر گاه در ضمن تعقیب امر قبل از طرح دعوا دادگاه جزا تکالیف مزبور را انجام دهند تعقیب موقوف خواهد بود و یا تکالیف مذکور را پس از طرح قضیه در دادگاه جزا و قبل از صدور دادنامه قطعی انجام دهند دادگاه میتواند آنها را از کیفر معاف نماید.»

بمراجعه بقوانین فوق‌الذکر معلوم میشود که قانونگذار برای انجام تکالیف نامبرده همه‌گونه وسایل آنرا فراهم آورده و ارفاقات و تسهیلاتی که در ضمن قوانین روا داشته خواسته است بفهماند که مردم در طول زمان آشنا بوظایف خود شده و خود بانجام تکالیف مقرر قیام و استقبال خواهند نمود.

اینک بنا بمقدمات فوق می‌خواهیم نسبت به ثبت ازدواج و طلاق در شناسنامه موضوع را بررسی نموده و در اطرف آن بحث نمائیم:

چون از طرفی طبق ماده ۱۸ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ در صورتیکه عقد ازدواج با طلاق در یکی از دفاتر اسناد رسمی صورت بگیرد ثبت دو واقعه فوق لازم‌الرعایه نبوده و از طرف دیگر طبق قانون اصلاح قانون ازدواج مصوب هفدهم خردادماه ۱۳۱۶:

«در نقاطیکه وزارت دادگستری تعیین و اعلام می‌نماید هر ازدواج و طلاق و رجوع باید در یکی از دفاتری که مطابق آئین‌نامه‌های وزارت دادگستری تنظیم میشود واقع و به ثبت برسد» که از اینقرار مسلم میشود عقد ازدواج و طلاق چون باید در یکی از دفاتر رسمی واقع شود بنابراین دیگر ثبت وقایع مذکوره ضرورتی نداشته و اساساً قابل کیفر نخواهد بود چه آنکه مقصود از ثبت رسمیت دادن ازدواج و طلاق میباشد که این خود با وقوع ازدواج در دفتر اسناد رسمی صورت وقوع بخود گرفته باین ترتیب موضوعیکه قابل تأمل است این است که باید ملاحظه شود با صراحتی که در دو ماده فوق‌دائرباینکه در صورتیکه وقوع عقد ازدواج و طلاق در خود دفتر اسناد رسمی و بموجب برگهای رسمی صورت بگیرد آیا در صورت عدم مراعات از طرف مرد باینکه کیفر عدم مراجعه بدفتر اسناد رسمی برای واقع ساختن زناشویی یارهایی طبق ماده ۱ قانون مزبور بمرد صرفاً تعلق بگیرد می‌توان زن را که طرف قبول عقد ازدواج است مورد تعقیب نسبت بعدم اطلاع بداره سجل

احوال قرارداد یاخیر؟

از صریح عبارت ماده ۴ قانون سجل احوال مصوب ۱۳۰۷ چنین برمیآید که زوجین مکلف هستند از وقوع عقد ازدواج ادارات مربوطه را مطلع ساخته که بالتبقیه طبق قسمت اخیر ماده پس از اطلاع مراتب در برگهای شناسنامه ثبت و قید گردد در اینصورت بدیهی است عدم مراعات آن طبق مقررات قوانین فوق‌الذکر قابل تعقیب و کیفری باشد.

ولی از طرفی بملاحظه ماده ۱۸ قانون ازدواج ۱۳۱۰ و ماده ۱ و ۳ قانون اصلاحی ۱۳۱۶ چون فقط زوج مکلف است که ازدواج را در یکی از دفاتر اسناد رسمی به ثبت برساند و در صورتیکه بوظیفه خود عمل کرد تکلیف نامبرده (اطلاع بداره سجل احوال) از عهده او ساقط است بنابراین چون عدم مراعات مقررات از طرف دیگر نمیتواند موجب مسئولیت برای دیگری واقع شود؛ بعقیده ما در اینصورت چنانچه زوجه انجام مراتب مذکوره در ماده ۴ قانون سجل احوال و رعایت نکرد دیگر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود.

و از طرف دیگر طبق ماده ۵ قانون نامبرده حاکی از اینکه «در موقع ازدواج و طلاق شوهر مکلف است برگی که حاکی از وقوع عقد ازدواج یا طلاق و معرف زوجین باشد بامضای مجری صیغه رسانیده و برای بایگانی شدن در دفتر سجل احوال تسلیم دارد» که این خود قرینه دیگری است براینکه تکلیف اطلاع دادن و انجام سایر مراتب در مورد وقوع عقد ازدواج و طلاق بمرد است و مشارالیه صرفاً و بشنهایی قابل تعقیب میباشد.

اشکال فوقرا قانون سجل احوال مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۸ با مسکوت گذاردن قضیه مرتفع ساخته چنانکه بطوریکه در باب پنجم آن قانون مربوط به تعیین کیفر در امور سجل احوال ملاحظه میشود عدم ثبت واقعه ازدواج و طلاق را در شناسنامه و عدم اطلاع بدارات مربوطه را گناه ندانسته و قابل تعقیب و کیفر قرار نداده است علی‌اصغر: شریف